مطالعات تطبیقی ادیان در جهان توسعه‌یافته

درآمدی روش‌شناختی

مهدی قاسمی*

این یادداشت ناظر به روش‌های مطالعه در سپهر ادیان است و از این رو نگاهی اجمالی به رویه‌ها و آغازه‌ها در مطالعات تطبیقی ادیان دارد. امید است یادآوری روش‌های تطبیقی، چراغی بر مسیر توسعه علمی کشور بتاباند و جاده را از سنگلاخ مطالعات کرگدن‌وار موضوعی برهاند. مطالعات تطبیقی (با تأکید بر علوم دینی) باید در الگوهای توسعه علوم انسانی دیده و تأکید شود.

چرایی و چگونگی

اولین گام در تولید علم و نهضت نرم‌افزاری، چرایی آن است که به نظر بهترین پاسخ، دست‌یابی به «حقیقت» باشد. بدیهی است رسیدن به این، مستلزم رصد صدها مسئله نظری در حوزه معرفت‌شناسی و روش‌شناسی است. نیز لازم است بدانیم اصلی‌ترین و به تعبیر بنده، گام نخست در بحث تولید علم، روشن‌سازی غایت علم و سپس اختیار روش متناسب با آن است و تا زمانی که از غایت علم غافل باشیم، برایمان تولید دانش با انباشت اطلاعات فرقی نخواهد داشت! شوربختانه باید اعتراف کرد که مهم‌ترین چالش در حوزه علوم اسلامی و بالاخص الهیات این است که دانش‌پذیرِ فقه، فلسفه، ادیان و... نمی‌داند به‌دنبال چه غایتی است تا متناسب با آن و سنجش نظریات موجود، افق‌گشایی کند و وضعیت مطلوب ناموجود را بکاود. به نظر نگارنده، اتخاذ رویکرد تطبیقی در مطالعات دینی با هدف درک عمیق‌تر دانش‌ها، سریع‌ترین مسیر برای رسیدن به توسعه و عرضه دانش‌های اصیل و ارزش‌های بی‌بدیل به جامعه هدف است.

چنان‌که می‌دانیم، دانش ادیان به تاریخ تحولات ادیان و کارنامه اندیشه‌ها و فرقه‌های دینی می‌پردازد و رسالتش این است که آموزه‌های دینی مربوط به انسان و جهان درون و برون از وی را بازگو کند. البته مطالعه درباره ادیان دیگر، عقلاً منافعی هم در بر دارد؛ مانند ضرورت همزیستی مسالمت‌جویانه و اتحاد ابنای بشر و نیز معرفی دین مبدأ و حتی ترویج آن.

دانش مطالعات تطبیقی ادیان، سابقه‌ای دیرین میان عالمان مسلمان داشته است؛ اما این رویکرد، در قرون اخیر متناسب با فضای روشن‌گری غرب، به دانش و رشته‌ای علمی (Scientific) بدل گشت. کسانی چون ماکس مولر و دیگران که جملگی فرزندان راسیونالیسم بودند، فضایی جدید به نام دین‌پژوهی برای معاصران گشودند که در نوع خود بی‌نظیر و رهاوردش پیدایش کرسی‌های علمی و مطالعاتی در توسعه علوم انسانی شد. در اواخر قرن هجده و ابتدای قرن نوزدهم، هم‌زمان با پیدایش و رشد رشته‌های علوم در غرب، اندیشه مقایسه‌ای نیز با هدف بررسی مقایسه‌ای حوزه‌های مشابه البته به صورتی روش‌مند (Metod – logic) عمدتاً در حوزه «دین‌شناسی» و «زبان‌شناسی» شکل گرفت که این دو اتفاقاً متأثر از نگاه پوزیتیویستی رایج زمانه خود نیز بود.

به لحاظ تاریخی، رشته «دین‌شناسی تطبیقی»(Comprative religion) در پی نظریه «تکامل / تحول» شکل گرفت. نظریه تکامل را کسانی چون کنت و اسپنسر در جامعه‌شناسی و نیز داروین در زیست‌شناسی به‌کار گرفتند و سبب تحولی شگرف در تمدن غرب شدند. رشته دین‌شناسی تطبیقی، به‌مثابه روش مقایسه‌ای میان مفروضات ادیان گذشته و حال متمرکز شد و در ابتدای امر، ادعای «علمی» بودن داشت و بنابراین دین را به ساحت یک شیء تنزل داد و آزمایشگاهی شد؛ اما بعدها، نظریه «بقایا» مطرح شد که مبتنی بر پژوهش‌های متدینان پرشور درباره شناسایی اعتقادات، آداب و رسوم و شرایع تکامل‌گرای ادیان بود. در پی این اتفاق، آزادی‌خواهان متدین بسیاری از کرسی‌های متعدد این رشته را در سوئیس، هلند، فرانسه و... برپا کردند.

ما در اینجا با گذر از فعالیت‌های این رشته در غرب، بر آنیم که به سه روش کلی مطالعات تطبیقی اشاره کنیم. این روش‌ها ممکن است در نظر برخی ناتمام یا حتی متداخل باشد؛ اما در هر صورت نمایی کلی از روش‌های موجود را به تصویر می‌کشد.

روش‌های مطالعات تطبیقی ادیان

۱. روش انتقادی (Critical) که شکلی مدافعه‌گرانه دارد و در منازعات کلام کاربری یافته است. این روش، عام‌ترین روش در مطالعات تطبیقی است و ابزار دست مدافعه‌نویسان، محافظان و مرزبانان هر دین است. باید توجه داشت که این روش، خالی از آسیب‌های علمی نیست. مثلاً حقیقت‌یاب نیست و اصطلاحاً «تحویل‌نگر» (Reductionism) است. تحویل‌نگری، یعنی برگرفتن وجهی از مطالعه و بی‌خبری یا انکار سایر ابعاد؛ بنابراین رسالت متکلم این است که با پیش‌فرضِ داشته‌اش (یعنی دفاع از کیان عقیده و مذهبش) فقط ضعف‌های متخاصم را رو کند. متکلم در این روش ممکن است یک چیز را ببیند و چشمش را بر صدها چیز ببندد!

از دیگر آسیب‌های روش انتقادی، فروغلطیدن در ظاهر متن است. متکلم تمایلی برای تأویلات و تفسیرات ناظر به گذر از ظاهر لفظ به خود نشان نمی‌دهد و از آنجا که پیش‌فرض ذهنی و عینک تهاجمی بر چشم دارد، کمتر سراغ موارد وفاق می‌رود و تمام قوایش را در یافتن پاشنه‌آشیل‌ها و چیرگی بر حریف به‌کار می‌بندد. از نمونه‌های شیوه مطالعاتی جدلی ادیان میان مسلمانان، کتاب «الفصل فی الملل